

قطع رحم از دیدگاه آیات و روایات و تحلیل علل آن در جامعه کنونی

مریم سادات برقی^۱
زهرا سادات سرکشیکیان^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی مباحث مربوط به قطع ارتباط با خویشاوندان، از جمله حرمت قطع ارتباط، مستثنیات قطع ارتباط، آثار قطع ارتباط و تحلیل علل قطع ارتباط در دوران کنونی می پردازد. هدف مقاله، تبیین دیدگاه اسلام درباره این موضوع و ارائه راهکارهای مناسب برای برطرف کردن این معضل اجتماعی است. بر اساس یافته ها، قطع صلہ رحم از گناهان کبیره ای است که آثار منفی بسیاری به دنبال دارد. البته استثنائاً گاهی می توان با برخی از خویشاوندان قطع ارتباط نمود. گرفتاری های مالی، ابتلا به عذاب، کاهش جمعیت و از بین رفتن رشد و توسعه، از آثار فردی و اجتماعی قطع ارتباط با خویشاوندان است که به دنبال تضعیف اعتقادات دینی و ترویج فرهنگ غربی به وجود آمده است. برطرف کردن ردایل اخلاقی، نهادینه کردن دین در زندگی فردی و اجتماعی، احیای سبک زندگی اسلامی، بیان فواید ارتباط با خویشاوندان و عواقب قطع این ارتباط، کاهش دادن تشریفات و تجملات، از جمله راهکارهایی است که می تواند به حل این معضل اجتماعی یاری رساند.

واژه های کلیدی: صلہ رحم، قطع رحم، خویشاوندان، علل، پیامدها.

۱. مدیر گروه رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی پژوهشکده جامعه الزهرا (ع.ا.س) m.borghei@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان؛ پژوهشگر جامعه الزهرا (ع.ا.س)؛ سطح سه رشته تاریخ اسلام najmeh8888@gmail.com

تبیین مسئله

یکی از امور اجتماعی که دین مبین اسلام به آن توجه و تأکید کرده است، مسئله ارتباط با خویشاوندان است که در طول تاریخ جریان داشته است، اما در دوران کنونی بنا به دلایلی در جامعه ما کم‌رنگ شده است؛ در حالی که ارتباط صحیح میان خویشاوندان فواید بسیاری دارد و از وقوع بسیاری از مشکلات جلوگیری می‌کند. در نتیجه، با توجه به شرایط کنونی، درباره مسئله قطع ارتباط میان خویشاوندان و مشکلات برخاسته از این امر، نگارندگان در این مقاله بر آن هستند تا به این پرسش پاسخ دهند که دیدگاه آیات و روایات مورد قطع رحم چیست؟ و دلایل قطع رحم در دوران کنونی چه است؟ عواقب این معضل کدام است و برای رفع آن چه باید کرد؟

پیشینه تحقیق

از لحاظ پیشینه تحقیق، مباحث مربوط به ارتباط با خویشاوندان را می‌توان در بخش صله رحم جست‌وجو کرد و با توجه به اهمیت چنین بحثی و اینکه در آیات و روایات مباحث گوناگونی درباره قطع ارتباط با خویشاوندان، از جمله حرمت قطع ارتباط، آثار قطع ارتباط و... مطرح شده است و برخی از آثار از جمله بررسی فقهی صله رحم و قطع آن از سید محمد رضا واحدی، صله ارحام در اسلام از محمود ارگانی حائری، صله رحم یا پیوند خویشاوندی از مرتضی صابر خراسانی به طرح برخی از مباحث در این باره پرداخته‌اند، اما بیان منسجم و کاملی در مورد زوایای مختلف این امر وجود ندارد. در پژوهش پیش رو به بیان و بررسی آیات و روایات درباره این امر و تحلیل علل قطع ارتباط میان خویشاوندان در دوران کنونی می‌پردازیم تا در نهایت بتوانیم راهکارهایی عملی مورد این معضل اجتماعی ارائه دهیم.

هدف از این تحقیق آشنایی با روش ایجاد ارتباط صحیح میان خویشاوندان و رفع موانع آن است.

۱. مفاهیم تحقیق

۱-۱. صله رحم

صله (به کسر صاد و فتح لام) در لغت به معنای عطیه، جایزه و احسان است (قلعجی و قنیزی،

۱۹۸۸، ص ۲۷۶) و رَجَم به فتح «راء» و کسر یا سکون «حاء»، در لغت به معنای جایگاه رویش طفل و محل آن است که در شکم قرار گرفته است (همان، ص ۲۲۰). اما ترکیب «صله رحم» به معنای اتحاد و پیوستگی خویشاوندان است (عمید، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۶۲۵). البته در شرع مقدس اسلام معنای خاص و معینی برای صله رحم بیان نشده و طبق تصریح برخی از فقیهان و مفسران شیعه، صله رحم لفظی نیست که حقیقت شرعیه داشته باشد (عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۵۲؛ حلی، ۱۴۰۳، ص ۲۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۲۴؛ کاشانی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۰؛ مازندرانی، ۱۴۲۹، ص ۳۴۳). بلکه به باور بیشتر فقها و مراجع عظام صله رحم امری عرفی است و شامل هر کار و رفتاری با خویشاوندان است که موجب ایجاد محبت میان آنها می شود و طرف مقابل را خوشحال می کند؛ مانند کمک مالی و جانی و دیدار کردن با روی باز و... (رک: کریمی اعتماد اراکی، ۱۳۷۴، ص ۱۷؛ حلی، ۱۴۰۳، ص ۲۸۳؛ اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۳۶۳؛ کاشانی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۰؛ اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۹۶).



۲-۱. قطع رحم

آیت الله دستغیب درباره قطع رحم می فرماید:

چنانچه صله رحم عرفی شد، به قرینه تقابل می توان گفت قطع رحم هم عبارت از هر امری است که در عرف از آن بریدگی فهمیده می شود؛ مانند سلام نکردن یا ترک احترام. همچنین شکی نیست که صدق عرفی قطع رحم، به حسب زمان و مکان و مراتب ارحام و خصوصیات آنها فرق می کند، برای نمونه ممکن است عملی نسبت به رحم نزدیک قطع باشد، ولی نسبت به رحم دور قطع نباشد. البته در موارد شک، فرد باید جانب احتیاط را مراعات کند که مبادا در گناه کبیره قطع رحم واقع شود (رک: دستغیب شیرازی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۶۱).

می توان گفت با توجه به اینکه حکم قطع رحم «حرمت» است، آیت الله دستغیب این بحث را مطرح فرمودند که در موارد شک، انسان باید جانب احتیاط را مراعات کند که مبادا در گناه کبیره قطع رحم واقع شود.

۱-۳. خویشاوندان

به طور کلی از نظر فقیهان، خویشاوندان به دو گونه اند:

۱. خویشاوندان سببی: یعنی کسانی که از راه ازدواج با یکدیگر نسبت پیدا می‌کنند؛ مانند زن و شوهر و پدر و مادر و هر کدام از آن دو نسبت به دیگری (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۵۳۸).

۲. خویشاوندان نسبی: یعنی کسانی که از راه ولادت ناشی از نکاح صحیح یا ملک یمین یا آمیزش به شبهه با یکدیگر نسبت خانوادگی پیدا می‌کنند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۲۴۳-۲۴۴)؛ مانند پدر و مادر و هر چه بالا روند؛ فرزندان دختری و پسری و هر چه پایین روند و... (همان، ج ۳۹، ص ۷-۸).
مراد از قطع ارتباط با خویشاوندان، به طور عمده قسم دوم است. در این مورد مرحوم نراقی می‌فرماید:

مراد از حرمت قطع ارتباط با خویشاوندان، قطع ارتباط با خویشاوندان «نسبی» است که به خویشی معروف باشند؛ اگر چه نسبت بسیار دوری داشته باشند و محرمیتی در میان نباشد. خلاصه اینکه همین که کسی منسوب به دیگری باشد، اگر چه بسیار دور باشد، از جمله ارحام اوست و صلّه او واجب و قطع آن حرام است (نراقی، بی تا، ص ۴۰۶؛ رک: ارگانی بهبهانی حائری، ۱۳۷۶، ص ۵۹؛ تبریزی، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۷).

۲. بررسی حکم قطع ارتباط با خویشاوندان

۱-۲. حرمت قطع رحم و ادله آن

به طور کلی فقیهان با چند تعبیر حکم حرمت را مطرح فرموده‌اند:

۱. در برخی از کتاب‌های فقهی ذکر شده است: «قطع رحم معصیت است» (عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۵۳؛ حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۴).

۲. در برخی از کتاب‌های فقهی ذکر شده است: «قطع رحم از کبائر است» (اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۳؛ حلی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۶؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۲۶۳).

۳. در برخی از کتاب‌های فقهی تصریح شده است: «قطع رحم از گناهان کبیره‌ای است که در

قرآن کریم درباره آن وعده آتش داده شده است» (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۹۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۳۱۴؛ معرفت، بی تا، ص ۳۴۸؛ خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷۴).

اما ادله فقیهان درباره حکم حرمت قطع صله رحم عبارت است از:

۲-۱-۱. ادله قرآنی

آیات ۲۲ و ۲۳ سوره محمد از مستندات حکم حرمت قطع رحم است: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ﴾؛ اگر (از این دستورها) رویگردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟ آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته و گوش هایشان را کر و چشم هایشان را کور کرده است! (محمد: ۲۲-۲۳).

علامه طباطبایی درباره چگونگی دلالت این آیه بر حرمت قطع صله رحم می فرماید:

خطاب در آیه ۲۲ به منافقانی است که از رفتن به جهاد در راه خدا بهانه جویی می کردند و به همین دلیل، آیه به ایشان خطاب کرده تا توبیخ و سرزنش را شدیدتر کند. پس آیه دلالت می کند بر اینکه اگر مسلمانان از رفتن به جهاد خودداری کنند، موجب می شود که در زمین فساد کنند و قطع رحم نمایند و در آیه ۲۳ اشاره «اولئک» به مفسدان روی زمین و قطع کنندگان رحم است و ایشان را چنین توصیف کرده است که خدا لعنتشان کرده و ناشنوایشان ساخته است، دیگر سخن حق را نمی شنوند و چشمشان را کور کرده است، دیگر حق را نمی بینند؛ چون در واقع دیده آدمی کور نمی شود، بلکه دل هایی که در سینه ها است، کور می گردد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۲۴۰-۲۴۱).

سوره رعد، آیه ۲۵: ﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ اللَّعَنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾؛ آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده است، قطع می کنند و روی زمین فساد می نمایند، لعنت و بدی (و مجازات) سرای آخرت برای آنهاست! ﴿ به دلیل مشابهت این آیه با آیه بعد، چگونگی دلالت این آیه در ذیل آیه بعد بیان می شود.

سوره بقره، آیه ۲۷: ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾؛ فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم

ساختن آن، می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آنها داده است، قطع کرده و در روی زمین فساد می‌کنند؛ اینها زیانکاران اند».

مرحوم طبرسی درباره چگونگی دلالت این آیات بر حرمت قطع صلّه رحم می‌فرماید: «در این دو آیه **﴿وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾** دلالت بر آن چیزی می‌کند که فاسقان مأمور به وصل و پیوند آن بودند و اقوالی درباره آن بیان شده است که یکی از آنها "صلّه رحم و رابطه با خویشاوندان" است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۷۰)؛ یعنی فاسقان کسانی هستند که پیوندهایی را که خداوند متعال دستور به برقرار کردن آنها داده است، قطع می‌کنند و آن پیوندها صلّه رحم و رابطه با خویشاوندان است. حاصل اینکه آیات فوق از قطع ارتباط با خویشاوندان نهی می‌کند و به کسانی که قاطع رحم هستند، وعده عذاب می‌دهد و آنان را شایسته لعن پروردگار عالم و زیانکار می‌داند و از آنجایی که یکی از ملاک‌ها برای گناه کبیره این است که نسبت به آن وعده عذاب داده شده باشد، پس قطع ارتباط با خویشاوندان از جمله گناهان کبیره‌ای است که در قرآن کریم بر آن وعده عذاب داده شده است.

۲-۱-۲. ادله روایی

پیامبر ﷺ درباره قاطع رحم می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَذِمَّةِ رَسُولِهِ وَنَقَضَ الْعَهْدَ وَقَطِيعَةَ الرَّحِمِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ **﴿أُولَئِكَ هُمُ اللَّعْنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾**؛ کسی که عمداً نماز را ترک نماید و پیمان را نقض و رحم را قطع کند، از تعهد و وظیفه خود در قبال خداوند و رسول سربلندی کرده است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: لعنت و بدی و مجازات سرای آخرت برای آنهاست» (رعد: ۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۸). همچنین ایشان می‌فرمایند: «لیس شیء أطیع الله فيه أعجل ثوابا من صلة الرحم و لیس شیء أعجل عقابا من البغي و قطیعة الرحم و الیمین الفاجرة تدع الدیار بلاقع؛ پاداش هیچ کاری که به وسیله آن اطاعت خدا شود، سریع‌تر از پیوند خویشان نیست و عقاب هیچ کاری، سریع‌تر از ظلم و بریدن خویشان نیست و قسم نادرست دیار را ویران می‌کند» (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۶۶۱). امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «أَقْبَحُ الْمُتَعَصِّي قَطِيعَةَ الرَّحِمِ وَالْعُقُوقُ؛ زشت‌ترین گناهان بریدن از خویشاوندان و عاق پدر و مادر است». همچنین ایشان می‌فرمایند: «قَطِيعَةُ الرَّحِمِ مِنْ أَقْبَحِ الشَّيْمِ؛ قطع رحم از زشت‌ترین خصلت‌هاست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۶).

نیز عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از امام جواد علیه السلام از پدرش علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت کرده

است که فرمود: «سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: دَخَلَ عَمْرُو بْنُ عَبِيدٍ الْبَصْرِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَلَمَّا سَلَّمَ وَجَلَسَ تَلَاهَذِهِ الْآيَةَ - الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ، ثُمَّ أَمْسَكَ؛ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا أَشْكَتَكَ قَالَ أَحِبُّ أَنْ أَعْرِفَ الْكِبَائِرَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَقَالَ: نَعَمْ يَا عَمْرُو أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ الشِّرْكَ بِاللَّهِ... وَقَطِيعَةُ الرَّحِمِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿أُولَئِكَ هُمُ اللَّعْنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾؛

از پدرم موسی بن جعفر عليه السلام شنیدم که می فرمود: عمرو بن عبید بصری بر امام صادق عليه السلام وارد شد و سلام کرد و نشست و این آیه را خواند: کسانی که از گناهان بزرگ دوری می جویند (شوری: ۳۷) و سپس ساکت شد. امام صادق عليه السلام پرسیدند: چه چیز تو را ساکت کرد؟ گفت: دوست دارم کبائر را از کتاب خدا بدانم و آنها را بشناسم، حضرت فرمودند: ای عمرو بزرگترین کبائر شرک به خداست... و قطع رحم؛ زیرا خداوند عزوجل فرموده است: آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده است، قطع می کنند و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت و بدی (و مجازات) سرای آخرت برای آنهاست» (رعد: ۲۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۳).

حاصل اینکه روایات فوق نیز همانند آیات مذکور، از قطع ارتباط با خویشاوندان نهی می فرماید و به صراحت آن را از گناهان کبیره شمرده و به کسانی که قاطع رحم هستند، وعده عذاب و عقاب می دهد و حتی عمل آنها را از زشت ترین و سریع العقاب ترین گناهان می شمارد.

۲-۲. موارد استثنا

چنان که گذشت، از نظر فقها قطع ارتباط با خویشاوندان حرام است، اما برخی فقهای متأخر در مورد این امر، به صورت بسیار خلاصه موارد شاذی را بیان کرده اند و بر این باورند که گاهی برخی از افراد می توانند با بعضی از خویشاوندان خود قطع رابطه کنند. در ذیل به استثنائاتی که فقیهان متأخر بیان کرده اند، اشاره می کنیم:

الف) زمانی که در ارتباط با خویشاوندان محذور باشیم و مانع شرعی و عرفی وجود داشته باشد، باید با آنها قطع ارتباط کرد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۶۱۰).

ب) در مواردی که ارتباط با خویشاوندان موجب ضرر یا مشقت مهمی باشد، به دلیل قاعده «لا حرج» و «لا ضرر»، باید با آنها قطع ارتباط کرد (ر.ک: همان، ص ۶۰۹؛ تبریزی، بی تا، ج ۱، ص ۵۰۰).

ج) رفت و آمد با اقوامی که به قوانین اسلامی مقید نیستند، اگر موجب نهی از منکر شود، مانعی ندارد، اما در غیر این صورت باید از ارتباط با آنها خودداری کرد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۵۲۶؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۲۴-۵۲۵؛ لنکرانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۴؛ منتظری نجف‌آبادی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۶؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۷۷۵).

د) قطع رابطه با ارحامی که تظاهر به گناهان می‌کنند، اگر موجب تنبّه و بازگشت آنها از معصیت باشد، لازم است (ر.ک: گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۲۴).

و) صلّه رحم شامل کفار نمی‌شود، بلکه اگر موجب تقویت آنان باشد، جایز نیست (ر.ک: تبریزی، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۹؛ منتظری نجف‌آبادی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰).

در نتیجه اگر در ارتباط با خویشاوندان، محذور و مانع شرعی وجود داشته باشد، مثلاً ارتباط با آنها موجب حرج و ضرر یا موجب فساد و آلودگی به گناه شود، این رابطه واجب نیست، اما از آنجا که از نظر فقها -ولو به اقل و کم‌ترین مراتب باید صلّه رحم را انجام داد- (ر.ک: مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۳۴۴؛ دستغیب شیرازی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۷۷)، در هنگام محذور و مانع شرعی هم تا آنجا که امکان دارد باید به کم‌ترین ارتباط با خویشاوندان عمل کرد؛ برای مثال در جامعه کنونی که در زمینه‌های گوناگون اعم از علم، صنعت و تکنولوژی دگرگون شده و پیشرفت کرده است، فرد می‌تواند از طریق فناوری روز مانند تماس تلفنی، ارسال پیامک و... به کم‌ترین صلّه رحم عمل کند، اما اگر همین مقدار نیز فراهم و ممکن نباشد و موجب محذور و مانع شرعی شود، می‌توان به طور کلی قطع ارتباط کرد.

۲-۳. آثار قطع ارتباط

همان طور که خداوند متعال درباره دین اسلام می‌فرماید که دینی جامع و کامل است و در آیات مبارکه قرآن کریم، از جمله آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل ﴿... نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...﴾ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است﴾ به این امر اشاره می‌فرماید، ما نیز در مواجهه با نیازها و پرسش‌ها باید در ابتدا به مصادر و مدارک اولیه دین اسلام -یعنی آیات و روایات- مراجعه کنیم؛ زیرا مهم‌ترین منابع برای رشد و تعالی انسان هستند و برای همه نیازهای انسان، احکام و راهکارهایی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بیان می‌کنند و حتی در برخی از موارد به عواقب

عمل نکردن به احکام و ضروریات دین مبین اسلام نیز اشاره دارند. در نصوص اسلامی در دو محور فردی و اجتماعی، مباحثی طرح شده که در ذیل به اهم آن اشاره می‌کنیم:

۲-۳-۱. آثار فردی قطع ارتباط با خویشاوندان

۲-۳-۱-۱. گرفتاری‌های مالی

از امام علی علیه السلام روایت شده است: «قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تُورِثُ الْفَقْرَ؛ قطع رحم با خویشاوندان تنگدستی می‌آورد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۹۱).

از امام رضا علیه السلام نیز روایت شده است: «لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَصَالِ خَمْسٍ بِيْخْلِ شَدِيدٍ وَأَمَلٍ طَوِيلٍ وَحِرْصٍ غَالِبٍ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَإِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ مال اندوزی تنها با داشتن پنج خصلت به دست می‌آید: بخل شدید، آرزوی دور و دراز، حرص و ولع زیاد، قطع رحم، ترجیح دنیا بر آخرت» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۸۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۱۳۸) که طبق این روایت، ابتلا به مال اندوزی از آثار قطع ارتباط با خویشاوندان است. شاید بتوان گفت دلیل این امر این است که کسی که با رحم خویش قطع ارتباط کند و از مواهب این ارتباط محروم شود، می‌خواهد به گونه‌ای این خلأ را جبران کند و به همین دلیل به کارهایی مانند مال اندوزی روی می‌آورد.

۲-۳-۱-۲. محرومیت از خویشان

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ لِقَاطِعِ رَحِمٍ قَرِيبٍ؛ کسی که با ارحام خود قطع ارتباط کند، دوست و نزدیکی برای او نخواهد ماند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۶؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸۶). همان طور که در این روایت تصریح شده است، یکی از ابتلائات کسی که با خویشان قطع ارتباط می‌کند، محرومیت از دوستان و نزدیکان است؛ زیرا خویشاوندان یک انسان بهترین دوستان و نزدیکان وی هستند و زمانی که انسان با آنها قطع ارتباط کند، بهترین دوستان و نزدیکان خود را از دست داده است.

همچنین ایشان می‌فرمایند: «لا راحة لِقاطِعِ القرباة و إذا اختلف القوم أمكنوا عدوهم منهم؛ قطع کننده رحم از آسایش و راحتی بهره‌ای نخواهد داشت و هنگام وقوع اختلاف و نزاع، دشمنان بر او چیره خواهند شد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۲۶۳). بر اساس این روایت نیز فرد قاطع رحم مغلوب دشمنان خواهد شد؛ زیرا بهترین حامیان خود را از دست می‌دهد. مؤید و مفسر روایاتی که در این قسمت بیان

شد، خطبه ۲۳ نهج البلاغه است که امام علی علیه السلام در این خطبه می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ [عَشِيرَتِهِ] عَثْرَتِهِ وَدَفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَالسِّنْتِهِمْ وَهُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ حَبِطَةً مِنْ وَرَائِهِ وَالْمُتُّهُمُ لِسَعْتِهِ وَأَعْظَمُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَازِلَةِ إِذَا [إِنْ] نَزَلَتْ بِهِ وَلِسَانُ الصِّدْقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرَ لَهُ مِنَ الْمَالِ [يُورِثُهُ غَيْرُهُ] يَرِثُهُ غَيْرُهُ؛ ای مردم، هیچ کس هر اندازه هم ثروتمند باشد، از خویشان خود و حمایت عملی و زبانی آنها از خویش بی‌نیاز نیست. آنان بزرگ‌ترین گروهی هستند که از انسان پشتیبانی می‌کنند و پراکندگی و پریشانی را از بین می‌برند و در مصیبت‌ها و حوادثی که برایش پیش می‌آید، بیش از همه با او مهربان هستند و برایش دلسوزی می‌کنند. نام نیکی که خداوند برای انسان در میان مردم پدید می‌آورد، بهتر از مال و ثروتی است که وی برای دیگران باقی می‌گذارد» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۵).

۲-۳-۱-۳. ابتلا به عذاب و کوتاهی عمر

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَا مِنْ ذَنْبٍ أَجْدَرَ أَنْ يُعَجِّلَ اللَّهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا ادَّخَرَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْبُغْيِ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ؛ هیچ گناهی سزاوارتر برای صاحبش در جلو افتادن عقوبت دنیوی، افزون بر آنچه در آخرت برایش ذخیره شده، از ظلم و قطع رحم نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۲۷۷؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۶۵؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸۳).

از امام علی علیه السلام نیز روایت شده است: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْكَوَّاءِ الْيَشْكُرِيُّ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَوْتَكُونُ ذُنُوبٌ تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ فَقَالَ نَعَمْ وَبِلَكَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ؛ پناه می‌برم به خدا از گناهایی که مرگ و نیستی را شتاب می‌بخشد. عبدالله بن کواء ییشکری برخاست و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! آیا گناهی هم هست که مرگ را تسریع کند؟ حضرت فرمود: وای بر تو! آری، قطع رحم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۶). همچنین ایشان می‌فرمایند: «حُلُولُ النَّقْمِ فِي قَطِيعَةِ الرَّحِمِ؛ پیش آمدن عقوبت‌ها، در بردن از خویشاوندان است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۶).

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَتُقَرِّبُ الْأَجَالَ وَتُخْلِجُ الدِّيَارَ وَهِيَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَالْعُقُوقُ وَتَرَكُ الْبِرِّ؛ پناه می‌بریم به خدا از گناهایی که مایه تسری در نابودی است و مرگ را نزدیک می‌سازد و خانه‌ها را از سکنه خالی می‌کند و آن گناهان عبارتند از: قطع رحم، آزردن پدر و مادر و کنار گذاشتن نیکی‌ها» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۸؛ اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۳۴۱-۳۴۲).

۲-۳-۲. آثار اجتماعی قطع ارتباط با خویشاوندان

۲-۳-۲-۱. قرار گرفتن اموال در دست اشرار

امام علی علیه السلام می فرمایند: «إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتْ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ؛ هر گاه مردم قطع رحم کنند، اموال آنها در دست اشرار قرار می گیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۷۳). امام باقر علیه السلام نیز همین حدیث را از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند (رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۴).

۲-۳-۲-۲. ابتلا به عذاب

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «إِذَا ظَهَرَ الْعِلْمُ وَاحْتَرَزَ الْعَمَلُ وَاسْتَلَفَتِ الْأَلْسُنُ وَاحْتَلَفَ الْقُلُوبُ وَتَفَاعَلَتِ الْأَرْحَامُ هُنَالِكَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ؛ زمانی که در یک جامعه علم و دانش باشد و به آنها عمل نشود و از طرفی زبان ها با هم موافق و دل ها پراکنده باشد و زمانی که مردم با خویشاوندان نزدیک خود قطع رابطه کنند، آن هنگام خشم و غضب الهی چنین مردمی را فرا می گیرد و خداوند چشم و گوش آنها را کور و کر می کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۹۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۹۴). طبق این روایت، زمانی که در یک جامعه، مردم با خویشاوندان خویش قطع رابطه کنند، دچار خشم و عذاب الهی می شوند. در بخش آخر حدیث که می فرماید: «لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ» اشاره به آیه ۲۳ سوره محمد دارد، که علامه طباطبایی در تفسیر این قسمت از آیه می فرماید: مراد فسادکنندگان در زمین و قطع کنندگان رحم هستند و آیه مبارکه آنان را چنین توصیف کرده است که خدا آنها را لعنت کرده و کرشان ساخته است و دیگر سخن حق را نمی شنوند؛ همچنین چشمانشان را کور کرده و دیگر حق را نمی بینند؛ چون در واقع دیده آدمی کور نمی شود، بلکه دل هایی که در سینه ها است، کور می گردد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۲۴۰-۲۴۱).

۲-۳-۲-۳. نابودی سریع و کاهش جمعیت

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «الدُّنُوبُ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ؛ از گناهایی که نابودی (افراد) یا ملت (ها) را تسریع می کند، قطع رحم است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۹۴).

امام باقر علیه السلام نیز می فرمایند: «فِي كِتَابِ عَلِيِّ علیه السلام ثَلَاثُ خِصَالٍ لَا يَمُوتُ صَاحِبُهَا أَبَدًا حَتَّى يَرَى وَبَاهَهُنَّ الْبَغْيُ وَقَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَالْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ يُبَارِزُ اللَّهُ بِهَا... وَإِنَّ الْيَمِينِ الْكَاذِبَةَ وَقَطِيعَةَ الرَّحِمِ لَتَذْرَانِ

الدِّيَارِ بِلَا قَعٍ مِنْ أَهْلِهَا وَيُثْقَلَانِ الرَّحِمَ وَإِنَّ تَثْقُلَ الرَّحِمِ انْقِطَاعُ النَّسْلِ؛ در کتاب علی عليه السلام نقل شده که دارندگان این سه خصلت نمی میرند، مگر آنکه کیفر آنها را در همین دنیا می بینند: ستم، قطع رحم و قسم دروغ که با آن با فرمان خداوند مخالفت می کنند... به درستی که قسم دروغ و قطع رحم، سرزمین ها را از اهل آن خالی می کند و رحم زنان را عقیم می سازد و عقیم شدن رحم، انقطاع نسل را در پی خواهد داشت» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۳، ص ۲۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۳۴).

۲-۳-۴. از بین رفتن رشد و توسعه

امام علی عليه السلام می فرمایند: «لَيْسَ مَعَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ مَتَاءٌ؛ با قطع رحم، هیچ گونه رشد و توسعه ای حاصل نخواهد شد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۸۶). این روایت اشاره دارد به اینکه به دنبال قطع رحم در میان افراد یک جامعه، هیچ گونه رشد و توسعه ای به وجود نمی آید و می توان گفت دلیل این امر این است که هر گاه قطع ارتباط میان افراد یک جامعه به وجود بیاید، موجب پدید آمدن مشکلات عدیده فردی و اجتماعی می شود و وحدت جامعه از بین می رود و این امر موجب می شود هیچ گونه رشد و توسعه ای در آن جامعه تحقق نیابد.

۳. تحلیل علل قطع ارتباط میان خویشاوندان

به طور طبیعی قطع ارتباط با خویشاوندان موجب احساس تنهایی و گرفتاری در فرد و از بین رفتن سعادت و اطمینان از خانواده و اجتماع می شود و سرانجام، افراد چنین جامعه ای تباه و ذلیل می شوند؛ در نتیجه باید به بررسی و تحلیل علل و عوامل قطع ارتباط میان خویشاوندان پرداخته شود تا بتوان برای هر یک از این علل، راهکار مناسبی ارائه داد که موجب رفع این معضل اجتماعی شود. البته می توان از منظرهای مختلف این علل و عوامل را بررسی کرد، اما به نظر نگارندگان بهتر است این علل و عوامل را در دوران کنونی، به عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم کرد:

۳-۱. عوامل درونی

مراد از عوامل درونی، رذایل اخلاقی درون انسان است که موجب می شود ارتباط با خویشاوندان تحت تأثیر این عوامل قرار گیرد. سرچشمه عوامل درونی را می توان «ضعف اعتقادات دینی» معرفی

کرد؛ زیرا این امر موجب پدید آمدن بسیاری از رذایل اخلاقی مانند «عداوت، بخل، حسد و تکبر» می‌شود که ارتباط با خویشاوندان تحت تأثیر این امور کم‌رنگ شده یا به کلی قطع می‌شود.

در ادامه نخست به بررسی هر یک از این رذایل اخلاقی و چگونگی تأثیر آن بر قطع یا کم‌رنگ شدن ارتباط خویشاوندان با یکدیگر پرداخته می‌شود و در مرحله بعد به راهکار مناسب برای رفع هر یک از این رذایل اشاره می‌گردد، تا هر یک از افراد اجتماع بتوانند با آگاهی از این امور رابطه مناسبی با خویشاوندان تنظیم و برقرار کنند:

۳-۱-۱. کبر

کبر یک حالت نفسانی است که موجب می‌شود انسان بر دیگران احساس بزرگی کند و خود را برتر از دیگران به شمار آورد. یکی از درجات کبر، کبر بر بندگان خداست که موجب ترک همنشینی با برخی از بستگان یا فقرای بستگان یا مقدم دانستن خویش در مجالس و همنشینی‌ها می‌شود (رک: امام خمینی، ۱۳۸۴، ص ۷۹-۸۱)؛ در نتیجه این صفت موجب قطع ارتباط با خویشاوندان یا ارتباط نادرست با آنان می‌شود. از نظر امام خمینی (ره) راه درمان این صفت این است:

انسان در حالت‌های خود تفکر نماید که در ابتدا هیچ نبوده و خداوند متعال وی را به واسطه رحمت خویش به وجود آورده و انسان به قدری ضعیف است که نمی‌تواند حیات، جوانی و جمال خویش را حفظ کند و اگر مریض شود، قادر به دفع آن نیست و زمانی که اراده خداوند متعال بر این قرار گیرد که انسان از دنیا رود، انسان به جسمی تبدیل می‌شود که بعد از چند روز بوی نامناسب مشام دیگران را آزار می‌دهد و در نهایت تمام اجزایش از هم پاشیده می‌شود. بعد از مرگ نیز انسان به برزخ و قیامت و در نهایت در صورت خطاکار بودن به جهنم می‌رود. در نتیجه انسان باید به این امور تفکر کند و به مبارزه با صفت تکبر بپردازد و با خویشاوندانی که قطع ارتباط کرده، همنشینی کند و هم‌غذا و هم‌سفر شود» (رک: همان، ص ۹۳-۹۷).

۳-۱-۲. حسد

حسد حالتی نفسانی است که صاحب آن آرزوی از بین رفتن کمال و نعمت فرد دیگر را دارد و فرقی نمی‌کند که آن نعمت را خود داشته باشد یا خیر. دلیل این رذیله عداوت، تکبر، خوف و... است (امام خمینی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵). این صفت نیز موجب قطع ارتباط با خویشاوندان می‌شود.

از نظر امام خمینی (ره) راه علاج این صفت این است: «فرد به شخص محسود (فردی که مورد حسد قرار می‌گیرد) محبت، ترحم و احترام نماید و نیکی‌ها و خیر او را بگوید و بداند که این شخص بنده خداست و شاید خداوند به او نظر لطف داشته که به او نعمت عطا فرموده است» (همان، ص ۱۱۳).

۳-۱-۳. عداوت

عداوت و دشمنی بر دو قسم است: الف) فرد در دل خویش با دیگری دشمن است و انتظار زمان مناسب را می‌کشد. این قسم «حقد و کینه» نامیده می‌شود. ب) فرد آشکارا با دیگری اظهار دشمنی می‌کند و در صدد اذیت وی است. این قسم «عداوت» نامیده می‌شود (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۲). این صفت نیز موجب قطع ارتباط با خویشاوندان یا ارتباط نادرست با آنها می‌شود.

از نظر مرحوم نراقی راه علاج این صفت این است: «فرد توجه کند که دشمنی و عداوت به جز غصه و غم در دنیا ثمری ندارد و تنها صاحب خود را آزار می‌دهد و موجب کدورت می‌شود. در نتیجه فرد باید بکوشد تا با شخصی که از او عداوت و کینه دارد، رفتار و گفتار دوستانه داشته باشد و در برطرف کردن نیازهای او تلاش کند و در مجالس، نیکی‌های او را بیان کند» (ر.ک: همان).

۳-۱-۴. بخل

بخل در مقابل سخاوت است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۰). این صفت نیز موجب قطع ارتباط با خویشاوندان یا ارتباط نادرست با آنها می‌شود؛ زیرا فرد به دلیل ترس از انفاق مال، با دیگران قطع ارتباط می‌کند یا اینکه در ارتباط با دیگران خساست به خرج داده و شأن ایشان را پایین می‌آورد. از نگاه آیت‌الله مکارم شیرازی راه درمان این صفت این است:

شخص بخیل تحمل کند و از اموال خود ببخشد. هر گاه این کار تکرار شود، عشق به مال در وجودش شکسته می‌شود. حتی اندیشیدن درباره تنفر و انزجاری که مردم از بخیلان دارند و آنها را موجوداتی پست می‌دانند و احترامی که برای سخاوتمندان قائل هستند و آنها را انسان‌هایی برتر می‌شمارند، یکی از راه‌های دیگر برای درمان بخل و دوری از این رذیله زشت اخلاقی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۸۳).

در نتیجه باید کوشید تا با محکم کردن باورهای دینی، مراقبه نفس و علاج هر یک از این رذایل اخلاقی، ارتباط درست و مناسبی را با خویشاوندان برقرار کرد.

۳-۲. عوامل بیرونی

مراد از عوامل بیرونی پیروی از سبک زندگی غربی و استفاده نادرست از فناوری روز است که موجب می‌شود ارتباط با خویشاوندان تحت تأثیر این عوامل قرار بگیرد. مهم‌ترین منشأ عوامل بیرونی را می‌توان «برنامه‌ها و فیلم‌های خاص غرب» معرفی کرد؛ زیرا باعث رواج سبک زندگی غربی می‌شود. در این سبک از زندگی، انسان تنها باید بکوشد تا به مال دست بیابد و زمانی که این امر محقق شد، باید همه مال را صرف وسایل تجملی و تبلیغاتی غرب که به اصطلاح «مد» نامیده می‌شود، کند. افزون بر این، در استفاده از وسایل ارتباط جمعی نیز شئون اسلامی یا حتی انسانی را رعایت نمی‌کند و فرصت زیادی را صرف استفاده ناصحیح از این وسایل می‌نماید و در نتیجه این امور، دیگر توان مالی و فرصت کافی برای وی نمی‌ماند تا به ارتباط درست با خویشاوندان بپردازد؛ خویشاندانی که ارتباط با آنها موجب آرامش، امنیت، شادی، طراوت، تجربه، رشد، حمایت و سرانجام رفع بسیاری از مشکلات مالی و غیر مالی انسان می‌شود.

حتی پیروی از سبک زندگی غربی و استفاده نادرست از فناوری روز موجب می‌شود افرادی که در باورهای دینی سست هستند یا از روی تقلید دین را برگزیده‌اند و هیچ‌گونه آگاهی دقیقی به واقعیت‌ها و روح دین ندارند، روز به روز از دین فاصله بگیرند و در نتیجه این امر باعث بروز بسیاری از ناملایمات اخلاقی شده که در ارتباط انسان با خویشاوندان تأثیر منفی فراوانی گذاشته است.

مهم‌ترین عاملی که امروزه باعث رواج یافتن سبک زندگی غربی در کشور ما شده است، استفاده نادرست از وسایل ارتباط جمعی مثل ماهواره، اینترنت، موبایل و... است؛ زیرا کاربرد نادرست از وسایل ارتباط جمعی، به ویژه مراجعه به برنامه‌هایی که برای تأمین اهداف غرب ساخته شده است و همه تلاش خود را به کار می‌گیرد تا انسان‌ها را به سمت و سوی زندگی غربی سوق دهد، از مهم‌ترین عواملی است که موجب قطع ارتباط با خویشاوندان می‌شود.

در ذیل به بیان برخی از اموری که در راستای تبلیغات سبک زندگی غربی موجب تأثیر منفی بر خانواده و روابط خویشاوندان و دوری آنان از یکدیگر شده است، می‌پردازیم:

۳-۲-۱. ایجاد تزلزل و ضعف در دین

برخی از برنامه‌ها و فیلم‌ها، دین و اعتقادات مذهبی را عامل عقب‌ماندگی انسان‌ها می‌دانند و

سبک زندگی غربی را موجب پیشرفت و ترقی آنها معرفی می‌کنند یا اینکه دین را مانع آزادی و استقلال و سبک زندگی غربی را موجب آزادی و راحتی معرفی می‌کنند؛ طبیعتاً یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این شیوه زندگی جدید، شورش بر ضد هر چیزی است که از نظر جوانان سنت تلقی شده باشد؛ اعم از سنت به همان مفهوم قدسی و آسمانی یا آداب و سنن و همه آنچه از نسل‌های پیشین رسیده است (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱ و ۱۰۴)؛ از جمله ارتباط صحیح با خویشاوندان و احترام به آنها.

۳-۲-۲. ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و مدگرایی

برخی از برنامه‌ها به ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و مدگرایی می‌پردازند و گرایش به این امور موجب می‌شود که افراد خانواده و بستگان روز به روز از یکدیگر فاصله بگیرند؛ زیرا برای تأمین هزینه‌هایی که بتوان با آنها وسایل جدید را تهیه کرد، باید به سختی کار کنند و فرصتی را که باید صرف خانواده و بستگان خویش کنند، در این راه مصرف می‌نمایند (ر.ک: جیمز پاتر، ۱۳۹۱، ص ۶۱۹).

۳-۲-۳. ایجاد اعتیاد

وسایل ارتباط جمعی باعث معتاد شدن مخاطبان خود می‌شوند و این اعتیاد، زندگی و روابط خانواده و خویشاوندان را به خطر می‌اندازد. این وسایل دو گونه اعتیاد را برای مخاطبان خود به وجود می‌آورند که عبارت است از:

الف) اعتیاد به مواد مخدر: تبلیغ مواد مخدر و اعتیاد ستارگان فیلم‌ها موجب رواج یافتن این امر در میان مخاطبان می‌شود (جیمز پاتر، ۱۳۹۱، ص ۶۲۸).

ب) اعتیاد به اینترنت: در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، روان‌پزشکان بعد از مشاهده آمار رو به رشد بیماری‌هایی که قادر به کنترل میزان استفاده خود از اینترنت نبودند، از این اصطلاح بهره بردند. این اخلاص به زیاده‌روی در استفاده از چت‌روم‌های اینترنتی، مراجعه به سایت‌های بازی، قماربازی و... اشاره دارد. این افراد استفاده از رایانه را در رأس امور خود قرار می‌دهند یا اختصاص زمان برای فعالیت‌های جاری و مهمی چون گفت‌وگو و رابطه با خانواده و بستگان را صرف اینترنت می‌کنند (ر.ک: همان، ص ۶۳۲).

۳-۲-۴. تبلیغ فساد و فحشا

برخی از برنامه‌های غربی به تبلیغ مستقیم فساد و فحشا می‌پردازند و همه ابعاد آن را به نمایش

گذاشته‌اند و آموزش می‌دهند. آنها چند هدف اساسی را دنبال می‌کنند که هر یک از این اهداف به تنهایی برای از هم پاشیدن زندگی خانوادگی و تیرگی روابط اقوام با یکدیگر کافی است؛ از جمله: ارتباط محارم با یکدیگر، ارتباط هم‌جنس‌ها با یکدیگر، خانه مجردی و انجام انواع فسادها و... راهکارهای مناسب برای رفع عوامل بیرونی برای برقراری ارتباط صحیح میان خویشاوندان و جلوگیری از قطع ارتباط با خویشاوندان، عبارت است از: نهادینه کردن دین و احیای سبک زندگی اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی، بیان فواید ارتباط با خویشاوندان و عواقب قطع این ارتباط، کاهش تشریفات، آموزش استفاده درست از وسایل ارتباط جمعی و آگاهی از آثار سوء استفاده نادرست از وسایل ارتباط جمعی.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که اگر نهاد خانواده نتواند روابط صحیح با خویشاوندان را تنظیم کند و دچار بی‌هویتی شود و در گرداب مشکلات این عمل قرار بگیرد، اجتماع نیز از اثرات این معضل بی‌نصیب نمی‌ماند و ناملایمت‌های بسیاری متوجه چنین اجتماعی شده و در نهایت پیامدهای این عمل موجب گسترش روزافزون فساد در اجتماع می‌شود و زمانی که به حد نهایت رسد، باعث نابودی آن می‌گردد؛ همان‌طور که خداوند متعال در سوره رعد می‌فرماید: ﴿لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ أَفْلًا مَرَدَّدًا لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ؛ برای انسان مأمورانی است که پی‌درپی، از پیش رو و از پشت سرش او را از فرمان خدا [حوادث غیر حتمی] حفظ می‌کنند، (اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (به خاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد و جز خدا سرپرستی نخواهند داشت﴾ (رعد: ۱۱).

شهید مطهری در تفسیر این آیه می‌فرماید: «در حقیقت باید گفت که این آیه کریمه، رمز جلو افتادن و عقب افتادن ملت‌ها را بیان می‌کند؛ یعنی می‌فرماید که هیچ مردمی از بدبختی به خوشبختی نمی‌رسند، مگر اینکه عوامل بدبختی را از خود دور سازند و برعکس، یک ملت خوشبخت را خدا بدبخت نمی‌کند، مگر آنکه خودشان موجبات بدبختی را برای خویش فراهم آورند» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۱۲).

نتیجه‌گیری

قطع ارتباط با خویشاوندان نسبی از گناهان کبیره‌ای است که تأثیرات منفی فراوانی بر زندگی فردی، خانوادگی و سرانجام اجتماعی دارد، مگر در استثنائاتی مانند:

۱. به وجود آمدن مانع شرعی و عرفی؛
۲. به وجود آمدن ضرر یا مشقت؛
۳. پای بند نبودن خویشاوندان به قوانین اسلامی؛
۴. خویشاوندانی که تظاهر به گناه می‌کنند؛
۵. خویشاوندان کافر.

به طور کلی، قطع ارتباط با خویشاوندان ابتدا باعث تأثیرات منفی فراوانی در زندگی فرد می‌شود و با به وجود آمدن ناملایمات در زندگی فرد، زندگی خانواده نیز دچار مشکلات و سختی‌ها شده و سرانجام با متزلزل شدن پایه‌های خانواده که مهم‌ترین نهاد و واحد اجتماعی است، اجتماع نیز درگیر شده و از وحدت، اصلاح، پیشرفت، تکامل، عزت، عظمت، شادی و نشاط باز می‌ماند و اگر وضع به همین روند پیش رود، تمامی عوامل دست به دست هم می‌دهند و سرانجام، آن اجتماع به مرحله هلاکت و نابودی کشیده می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت که قطع ارتباط با خویشاوندان، به ویژه در دوران کنونی معلول دو علت است:

الف) عوامل درونی که برخاسته از ضعف باورهای دینی در میان مسلمانان است و موجب بسیاری از خصایص اخلاقی منفی مانند عداوت، بخل، تکبر و... می‌شود که هر کدام از این امور به تنهایی نقش منفی بسزایی در ارتباط خویشاوندان با یکدیگر می‌گذارد. همچنین این ضعف دینی موجب گرفتار شدن مسلمانان در دام غرب‌زدگی می‌شود؛ زیرا اگر مسلمانان در باورهای خود محکم و استوار باشند، هیچ چیز نمی‌تواند آنها را گمراه کند و از راه و روش انسانیت دور سازد.

ب) عوامل بیرونی که ناشی از ترویج فرهنگ غربی است و موجب تلف شدن مال و وقت مسلمانان می‌شود و در نتیجه این امر، ارتباط با خویشاوندان بسیار محدود می‌گردد؛ همچنین تأثیرات منفی فراوانی در اخلاقیات و ارتباطات مسلمانانی که در دین ضعیف هستند، می‌گذارد و سرانجام موجب فاصله گرفتن آنها از دین و از دست دادن هویت دینی می‌شود.

راهکارهای مناسب برای رفع عوامل درونی و بیرونی برای برقراری ارتباط صحیح میان خویشاوندان و در نتیجه جلوگیری از قطع ارتباط با خویشاوندان عبارت است از: برطرف کردن ردایل اخلاقی، نهادینه کردن دین در زندگی فردی و اجتماعی، احیای سبک زندگی اسلامی، بیان فواید ارتباط با خویشاوندان و عواقب قطع این ارتباط، کاهش دادن تشریفات و تجملات، آموزش استفاده درست از وسایل ارتباط جمعی و آگاهی از آثار سوء استفاده نادرست از وسایل ارتباط جمعی.

منابع

قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۱. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغة (للصیحی صالح)، قم: هجرت.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ارگانی بهبهانی حائری (۱۳۷۶)، محمود، دید و بازدید (صله ارحام در اسلام)، قم: انتشارات پیام مهدی.
۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۲ق)، بیست و پنج رساله فارسی، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۵. _____ (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۶. بهجت گیلانی، فومنی، محمدتقی (۱۴۲۸ق)، استفتائات، قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
۷. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران: دنیای دانش.
۸. تبریزی، جواد [بی تا]، استفتائات جدید، قم: [بی تا].
۹. _____ (۱۴۲۷ق)، صراط النجاة، قم: دار الصدیقة الشهيدة.
۱۰. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. جیمز پاتر، دبلیو (۱۳۹۱)، بازشناسی رسانه های جمعی با رویکرد سواد رسانه ای، ترجمه امیر یزدیان، منا نادعلی و پیام آزادی، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۳. حسنی، محمد (۱۳۸۴)، موجودیت غرب و رسانه های تکنولوژیک، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
۱۴. حلّی، حسین (۱۴۱۵ق)، بحوث فقهیة، قم: مؤسسه المنار.
۱۵. حلّی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۳ق)، ضد القواعد الفقهیة علی مذهب الإمامیة، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۱۶. دستغیب شیرازی، عبدالحسین (۱۳۶۰)، گناهان کبیره، [بی جا]: [بی تا].
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۹. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق / ۱۳۴۴ش)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریة.
۲۰. عاملی، سیدمحمدجواد (۱۴۱۹ق)، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (طبع الحدیثة)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. عاملی، شهید اول محمد بن مکی [بی تا]، القواعد والفوائد، قم: کتابفروشی مفید.
۲۲. عمید، حسن (۱۳۶۰)، فرهنگ عمید، تهران: چاپخانه سپهر.
۲۳. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۴. قلّعی، محمد و حامد صادق قنبری (۱۹۸۸م)، معجم لغة الفقهاء، لبنان: الطبیعة الثانية.
۲۵. کاشانی، ملا حبیب الله شریف (۱۴۰۴ق)، مستقصی مدارک القواعد و منتهی ضوابط الفوائد، قم: چاپخانه علمیه.
۲۶. کریمی اعتماد اراکی، احمد (۱۳۷۴)، نخبة الموعظ، [بی جا]: مؤسسه دار التفسیر.

۲۷. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۸. گلپایگانی، سیدمحمد رضا (۱۴۰۹ق)، مجمع المسائل، قم: دار القرآن الکریم.
۲۹. لنکرانی، محمدفاضل موحدی [بی تا]، جامع المسائل، قم: انتشارات امیر قلم.
۳۰. مازندرانی، علی اکبر سیفی (۱۴۲۹ق)، دلیل تحریر الوسيلة: أحكام الأسرة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، عدل الهی، قم: انتشارات صدرا.
۳۳. معرفت، محمدهادی [بی تا]، تعلیق و تحقیق عن أمهات مسائل القضاء، قم: چاپخانه مهر.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، استفتائات جدید، قم: انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۵. _____ (۱۳۷۸)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۶. _____ (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، قم: مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۷. منتظری نجف آبادی، حسینعلی [بی تا]، رساله استفتاءات، قم: [بی تا].
۳۸. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۰۹ق)، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۳۹. _____ (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل (محشی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. _____ (۱۳۸۴)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴۱. نراقی، احمد [بی تا]، معراج السعادة، تهران: انتشارات امین و رشیدی.
۴۲. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۴. هاشمی شاهرودی، سیدمحمد، جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.